

خطرات ایده

مردم علیه مردم

تحلیل شما در رابطه با لایحه حجاب و عفاف از منظر جامعه‌شناسانه چیست؟ من ترجیح می‌دهم در ابتدا به بررسی سیر تاریخی ورود حجاب در عرصه دولتی و قانونگذاری اشاره کنم. به‌رحال برخورد با مساله حجاب از نظر قانونی و چهارچوب‌بندی تقریباً از دهه ۷۰ به‌صورت جدی در شورای عالی انقلاب فرهنگی شروع شد. آن زمان مصوباتی داشتیم تا اینکه سال ۸۴ مجدداً مجموعه قوانینی در شورای عالی انقلاب فرهنگی و همچنین قوانینی در سال ۸۹ تصویب شد که می‌توان به‌عنوان یکی از کامل‌ترین قوانین مصوب در حوزه مساله حجاب از آن نام برد. طبق آن برای ۲۵ دستگاه وظایفی تعریف شد. ۳۰۴ بند در این قانون وجود دارد که راهکارهای اجرایی توسعه فرهنگی حجاب عفاف است. درحال حاضر در یک بازه زمانی می‌توانیم بررسی کنیم که تقریباً با گذشت حدود ۱۲ سال از آن مصوبه که بسیار جامع بوده و همه دستگاه‌ها را دستگیر کرده بود چه تحولاتی در حوزه حجاب و عفاف رخ داده است. امروز که نگاه می‌کنیم تغییر ایده‌آلی که آن زمان مدنظر داشتیم رخ نداد و هم‌زمان تحولاتی نگرشی هم در مردم مشاهده می‌کنیم که پذیرش شان

برای تنوع حجاب بالا رفته است. حالا به نظر می‌رسد طی هر تجربه (که نمی‌دانم ارزیابی‌ها آن را تا چه حد موفق جلوه می‌دهد)، این طرحی که الان با ۷۰ ماده مطرح شده، ابهاماتی دارد. برخی از مواد را که بررسی کردم، پنج فصل است که بیشترین حجم مواد در بخش جرائم و تخلفات است که در ۳۲ ماده تدوین شده است. این ۳۲ ماده تلاش کرده که با رویکرد بازدارندگی کاملاً قضایی، مانعی ایجاد کند و به نظر من به‌شدت سلبی و رادیکال سراج مساله حجاب رفته است. تفاوتش با رفتارهای پیش از این لایحه در این نکته است که از شکل برخوردهای فیزیکی، دستگیری و درگیری‌های فردی، به‌نوعی کنترل غیررسمی مانند صدور جریمه یا حتی زندان رسیده. اما

حالا اینکه تا حد این مواجهه می‌تواند بازدارندگی داشته باشد و اثرات اجتماعی آن به چه سبکی است را می‌توان دو دسته کرد. یکی اینکه به‌نوعی برخورد طبقاتی منجر می‌شود. چون همه چیز را مالی و مادی دیده. یعنی صدور این جریمه‌ها می‌تواند برای طیفی از جامعه حاشیه امنی درست کند؛ به این ترتیب که جریمه را پرداخت و در حاشیه امن خود تردد کنند. دوم اینکه شاید گروهی انتخاب‌شان چیز دیگری باشد اما به دلیل جریمه‌ها در ظاهر سبکی خاص از حد پوشش را حفظ کنند. هرچه که باشد باید توجه داشت که این مقوله موجب قطبی شدن جامعه می‌شود.

چیزی که در عرض این چهار دهه درمورد پیام‌های فرهنگی که جامعه ما درباره حجاب داشته، درونی شدن باور به مساله حجاب و عفاف است و من حداقل در این طرح چنین روحی را نمی‌بینم. این به‌رحال در طولانی‌مدت مثلاً الزاماتی که برای اصناف دیده شده که مانع از ورود بدحجاب‌ها بشوند، جریمه‌ای که برای تاکسی‌ها در نظر گرفته شده، استفاده از ظرفیت مردم علیه مردم است. کنترل موضوعی که ما می‌دانیم با باورها و نگرش‌های مردم درگیر است و شاید در کوتاه‌مدت بتواند اثراتی را داشته باشد اما به نظر من در بلندمدت روح متعالی که ما پیرامون درونی شدن باور به حجاب و عفاف داشتیم قطعاً محقق نخواهد شد.

شما در تحلیل‌تان به مساله استفاده از ظرفیت مردم علیه مردم استفاده کردید، مصداقش هم جرایم وضع شده برای راننده تاکسی‌هاست، بروز و تشدید این رفتارها و در پی آن ایجاد و تعمیق شکاف اجتماعی میان طبقات اقتصادی متفاوت در جامعه تا چه حد می‌تواند تأثیر سوء بر فضای اجتماعی جامعه داشته باشد؟ درواقع اگر بخواهیم واقعی نگاه کنیم، بخش‌های مختلف این طرح را که می‌خوانم بخش‌های عجیب و غریبی در آن بود. علاوه‌بر استفاده از این ظرفیت مردم علیه مردم، یک‌سری ظرفیت‌های گزارش‌گیری دارد که این گزارش‌گیری‌ها از طرفی تلاش کرده که گزارش‌های مردمی علیه نقض این قوانین می‌دهند، بخشی از اینها ممکن است به‌توسیه‌حساب‌های شخصی تقلیل پیدا کند. قانونگذار ما قدرت کنترل همه موضوعات را ندارد. یکی از آسیب‌های این کار ایجاد نفرت میان مردم و جزیره‌ای شدن مردم علیه هم است و در برآیندی گروه‌های مختلف را در مقابل سیستم قرار می‌دهد. چون سیستم با رادیکال‌ترین شکل به این موضوع ورود کرده گرچه دستگیری‌ها را در سطح عمومی کاهش داده، اما به‌نوعی با جریمه‌های سنگین ممکن است سبک‌جیددی از مقابله‌های مدنی توسط مردم پدید بیآورد. مثلاً مصداقی که برای جریمه راننده تاکسی طرح کردیم را برای مترو یا اتوبوس فرض کنید. در طیف‌ها گسترده که بخواهیم بررسی کنیم، در ابتدا یک پیام سفت و سخت به جامعه مخاطب است. به نظر من باید بازنگری جدی در مورد این مساله صورت بگیرد. ممکن است در کوتاه‌مدت یک کنترل نسبی درباره موضوع ایجاد کند اما در بلندمدت نمی‌تواند تبدیل به‌نوعی باور خودخواسته میان مردم شود.

چیزهای دیگری مانند لایحه قبلی در آن وجود دارد، بعد به‌یکباره آمده در ماده ۶۹ گفته از زمان تصویب این قانون ۱۰ درصد جریمه به کشفیات واردات غیرقانونی لباس و لوازم آرایش افزوده می‌شود. خوب این چه ربطی دارد؟ ما کلی برند داخلی لوازم آرایشی داریم. اگر مساله نفس



لیلا فلاحتی

استاد پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

استفاده از لوازم آرایش است، ما با پدیده جدیدی مواجه هستیم. به نظر می‌رسد نفع مادی در این لایحه برای سیاستگذار بیش از اصل هدف محقق می‌شود. این می‌تواند خودش اثربخشی موضوع حجاب را کاهش دهد با روح حاکم بر این طرح این طور است که ریشه همه آسیب‌های اجتماعی حجاب است و این‌یک نوع فرار رو به جلوست. مثلاً از کلمات عجیبی استفاده کرده، مانند همجنس‌بازی، هرزگی و... به نظر می‌رسد که قانونگذار آفت‌در هیجان‌زده است و خواسته هر چیزی را به موضوع بدحجابی تقلیل دهد. کلماتی را به کار برده که حاکی از ذهن رادیکال قانونگذار در تدوین لایحه است.

عامل اصلی در این لایحه مساله ترس است، ترس از جریمه شدن، آیا ترس در جامعه ایران که از سال گذشته شاهد نوعی شکاف عمیق اجتماعی، دوقطبی شدن و رفتار رادیکال بوده و با توجه به روحيات نسل جدید می‌تواند عامل بازدارنده چه کوتاه‌مدت و چه بلندمدت برای بی‌حجابی باشد؟

مساله مهمی که وجود دارد این است که بدون شک می‌تواند تأثیر کوتاه‌مدت داشته باشد. مثلاً در رابطه با تجربه ویدئو یا ماهواره این فضا را در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ داشتیم. ما حتی در رابطه با مساله ماهواره هم شاهد نوعی عملیات‌های پیشرفته بودیم، مقطعی تأثیر داشت اما حالا شاهد نوعی عمومی شدن مساله ماهواره در میان اقشار مختلف هستیم. حتی می‌بینیم کیفیت شبکه‌های داخلی هم روی ماهواره خیلی بهتر است. این یعنی ما با این مساله در بلندمدت کنار آمدیم و رفتار سلبی مقطعی ما تأثیری نداشت. این برخورد‌ها خیلی سینوسی و شبیه همان برخورد‌هاست. مساله مهم من نوع برخورد قانونگذار با این موضوع است. امروزه بی‌حجابی شکلی از جریان اعتراض به برخی ناکارآمدی‌هاست و خشم برخی گروه‌ها را نمایان می‌کند که شاید مساله اصلی آنها اصلاح حجاب نباشد ولی از این راه به‌عنوان یک راه‌حل برای رساندن صدایشان به گوش سیاستمدار استفاده کرده یا به‌نوعی اعتراض مدنی دارند. ما باید این را در نظر داشته باشیم که وقتی ما با این سبک و سیاق با این مسائل مواجهه‌ای داریم، گروه‌های مختلف اجتماعی که احساس می‌کنند صدایشان به‌درستی شنیده نشده و مطالبات متفاوتی دارند، ممکن است در چند ماه آینده برای موضوع دیگر در کنار معترضان به حجاب قرار بگیرند و برآیند و فشار اجتماعی خیلی جدی‌تری را برای وضعیت کلی ایجاد کنند. ما به‌صورت مستمر درحال تولید یک‌سری گروه‌های ناراضی هستیم. اینها در موقعیت‌های مختلف اعتراضی در جامعه حاضر می‌شوند و هر کدام به‌نوعی به‌مقابله و اعتراض می‌پردازند. فکر می‌کنم مساله مهم این است که در جامعه باید میان گروه‌های مختلف ظرفیت درستی برای پذیرش همدیگر ایجاد کنیم. پذیرش وضعیت رادیکالی که سیستم از منظر فرهنگی قبول ندارد را نمی‌گوییم. بحث من این است که اگر دائماً از راهبردهای سلبی، کنترلی و سرکوبی به‌عنوان راه‌حل استفاده کنیم، این خودش می‌تواند در وضعیت فعلی که متحمل فشارهای متعدد داخلی و خارجی هستیم تشدیدکننده جریان‌ات رادیکال داخل کشور شود.

با توجه به اینکه شما قائل به کاهش رفتارهای پلیسی و رادیکال دولت هستید بهترین عامل بازدارنده برای بی‌حجابی در فضای اجتماعی حال حاضر چیست؟ مثلاً دربار کلیه فرهنگی بازمی‌گردد که حجاب تنها بخشی از آن است. مثلاً دربار حجاب می‌بینیم که بسیاری از افراد رادیکال شدند و احساس می‌کنند عاملیت فردی برای نمود اعتراض‌شان پیدا کردند. به موضوعات که نگاه می‌کنیم، شاهد نظارت در سطح گسترده در سبک زندگی مردم هستیم. در رابطه با کنترل فضای مجازی و... همه کشورها سیاست‌های کلی برای کنترل دارند اما در کنار آن اقدامات گسترده‌تری برای فرهنگ‌سازی دارند. ما با منظومه رویکردهای فرهنگی مواجه هستیم که در همه آنها رفتار سلبی غالب است و همه اینها با هم در حال اجرایی شدن هستند؛ مانند فیلترینگ، نوع انتخاب سبک زندگی، سبک پوشش و... مساله مهم این است که ما برای فرهنگ‌سازی هر یک از اینها چه میزان سرمایه‌گذاری درستی داشتیم؟ ما در چهار دهه اخیر تجربه‌های متعدد و گوناگونی داریم. مثلاً مصداق فرهنگ‌سازی بستن کمربند ایمنی در جاده‌ها تا زمانی که صرفاً جریمه‌محوریت داشت رفتار آبی و تأثیرش کوتاه‌مدت بود اما زمانی که در فضای فرهنگ‌سازی وارد شد شاهد نوعی درونی شدن و تأثیر بلندمدت بودیم.

درحقیقت به نظر من استفاده از ابزارهای فرهنگی برای درونی شدن و ایجاد باور الزامی است و اگر این اتفاق رخ دهد دیگر شاهد تضادهای رفتاری نخواهیم بود. پیام این ترس این است که رفتارهای زیرزمینی، غیررسمی، تعارضات در انتخاب و رفتار دوگانه تشدید خواهد شد. یعنی شما در انتظار عمومی که حس می‌کنید کنترل وجود دارد یک شکل هستید اما در فضای غیررسمی طور دیگری هستید، چیزی که خود سیاستگذار مثلاً درخصوص تناقض رفتاری سلبریتی‌ها در فضای رسمی و غیررسمی از آن عصبانی است. حالا اگر آنجا مختص به سلبریتی‌ها بود سیاستگذار حالا به جای کنترل این مساله درحال تکثیر آن است.

اندیشه



۵ پیشنهاد

مهم‌تر از لایحه



وحیده‌علی میرزایی

پژوهشگر و کارشناس حوزه زنان و خانواده

تحلیل شما در رابطه با لایحه حجاب و عفاف از منظر جامعه‌شناسانه چیست؟ انتظار ما از حجاب و قوانین مرتبط با آن، ایجاد نتایج مثبتی مانند حفظ هویت ثقافتی و مذهبی، حفظ اخلاق عمومی و ایجاد اعتماد عمومی در جامعه است؛ اما با اقتصادی شدن حجاب در جوامعی که مردم با ترس از جریمه شدن مدیریت می‌شوند، همان طور که پیشتر نیز به آن اشاره داشتم، می‌تواند برخی از حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان را محدود کند. این محدودیت‌ها ممکن است شامل آزادی بیان و نادیده انگاشتن حقوق زنان و... باشد. با اقتصادی شدن حجاب تعیین و تفسیر قانون به‌طور قطعی درباره مفهوم بی‌حجابی می‌تواند به اختلاف نظرهای قابل توجه فردی و دستگامی منجر شود. این مساله ممکن است به ابهام مفهوم بی‌حجابی و جنجال‌های بسیار در جامعه منتهی شود. اقتصادی شدن حجاب تنش‌های اجتماعی و فرهنگی میان افراد را ایجاد می‌کند که این خود منجر به احتمال بروز خشونت و جرایم دیگر شده و می‌تواند جامعه را متمايل به بی‌عدالتی و فرورپاشی کند. بزرگ‌ترین معضلی که همراه با اقتصادی شدن حجاب پیش می‌آید، نبود پذیرش اجتماعی برای این قانون است. مردم ممکن است آن را به‌عنوان تجاوز به آزادی شخصی و دور زدن حقوق بشر در نظر بگیرند؛ آسیب دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، عدم اثربخشی آن در تغییر رفتار افراد است؛ زیرا اجرای قانون رعایت حجاب در جامعه نیاز به فرهنگ‌سازی در سطح گسترده و ارتقای بینش افراد و ایجاد آمادگی همه‌جانبه جهت پذیرش آن دارد و این مقوله‌ای است که در اقتصادی شدن موضوع حجاب، هیچ‌گونه محلی از اعراب ندارد!

جامعه منتهی شود. اقتصادی شدن حجاب تنش‌های اجتماعی و فرهنگی میان افراد را ایجاد می‌کند که این خود منجر به احتمال بروز خشونت و جرایم دیگر شده و می‌تواند جامعه را متمايل به بی‌عدالتی و فرورپاشی کند. بزرگ‌ترین معضلی که همراه با اقتصادی شدن حجاب پیش می‌آید، نبود پذیرش اجتماعی برای این قانون است. مردم ممکن است آن را به‌عنوان تجاوز به آزادی شخصی و دور زدن حقوق بشر در نظر بگیرند؛ آسیب دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، عدم اثربخشی آن در تغییر رفتار افراد است؛ زیرا اجرای قانون رعایت حجاب در جامعه نیاز به فرهنگ‌سازی در سطح گسترده و ارتقای بینش افراد و ایجاد آمادگی همه‌جانبه جهت پذیرش آن دارد و این مقوله‌ای است که در اقتصادی شدن موضوع حجاب، هیچ‌گونه محلی از اعراب ندارد!

با توجه به جریمه‌های سنگینی که برای بی‌حجابی در نظر گرفتند، اولین موضوعی که به ذهن متبادر می‌شود، جنبه اقتصادی پیدا کردن حجاب است. با این وضعیت، ما شاید در طولانی‌مدت شاهد این مساله باشیم که طبقه اقتصادی خاص می‌توانند پوشش اختیاری داشته باشند و این موضوع هم موجب بروز شکاف یا عمیق‌تر شدن شکاف‌های موجود در بدنه اجتماع شود. تحلیل شما از این اتفاق چیست؟

این موضوع از جنبه‌های مختلف تحلیل می‌شود:

- ۱. شکاف اقتصادی:** تعیین جریمه سنگین برای بی‌حجابی ممکن است باعث شکاف اقتصادی در جامعه شود. طبقه‌های اقتصادی پایین‌تر قادر به پرداخت جریمه‌های سنگین نخواهند بود و این موضوع می‌تواند به تفاوت میان طبقات اقتصادی و افزایش شکاف اقتصادی منجر شود. این شکاف می‌تواند مشکلاتی نظیر تبعیض اجتماعی، فقر و عدم عدالت را به‌همراه داشته باشد.
- ۲. تحریم در فرصت‌ها:** با توجه به شناخت دقیق درباره مفهوم پوشش اختیاری، می‌توان فرض کرد که این جریمه‌ها برای افرادی با درآمد بالا شبیه ایجاد فرصتی جهت تجربه انتخاب نوع پوشش است! در حالی که طبقه‌های اقتصادی پایین‌تر قطعاً از این فرصت محروم خواهند شد. این تمایز در دسترسی به فرصت‌ها می‌تواند شکاف‌های موجود در جامعه را عمیق‌تر کند و به تعادل اجتماعی ضربه بزند.
- ۳. ناکارآمدی تنبیهات:** اگر تنبیهات سنگین برای بی‌حجابی تعیین شوند، ممکن است عملکرد این تنبیهات کارآمد و تأثیرگذار نباشد. برعکس، احتمالاً با نگاه گسترده‌تر به این موضوع و رسیدگی به عوامل اجتماعی، فرهنگی و تربیتی، تحت عنوان یک برنامه جامع قابل اجرا، می‌توان تخلفات بی‌حجابی را کاهش داد و جامعه را به‌سمت دارا بودن تعادل بیشتر سوق داد؛ بنابراین، برای جلوگیری از شکاف‌ها و عدم عدالت احتمالی، لازم است سیاست‌ها و برنامه‌های جامع و همه‌جانبه که مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در نظر می‌گیرند، پیاده‌سازی شوند. این برنامه‌ها ممکن است شامل آموزش، ایجاد فرصت‌های شغلی، افزایش آگاهی و ترویج فرهنگ تفاهم باشند.

اگر ما حجاب را تا به الان یک مقوله دینی تصور می‌کردیم و حالا هم بسیاری از نمایندگان موافق این لایحه با این استدلال که موجب حیاورزی می‌شود، موافق اجرای آن هستند، با این جنبه اقتصادی و قانونی دادن به حجاب تصور حکم دینی هم آسیب می‌بیند. نظر شما در این خصوص چیست؟ پرداختن به حجاب از جنبه اقتصادی و قانونی قطعاً می‌تواند تصور حکم دینی را به چالش بکشد. اجرای قانونی که حجاب را اقتصادی می‌بیند، می‌تواند تصویر بد و نادرستی از ترکیب مذهب و سیاست ارائه دهد و همچنین باعث انحراف از اصول اعتقادی شود و بحث‌هایی که درباره آن صورت می‌گیرد، ممکن است هیچ‌گاه به نتیجه‌گیری اجماعی منجر نشود و انتقادات و اختلافات هرچه بیشتر میان افراد را به‌همراه داشته باشد؛ بنابراین، برای حفظ احکام دینی، باید به امور مهم دینی و اعتقادی مانند حجاب با دقت و هوشمندی بیشتری رسیدگی کرد.

بعضا ما در عرصه سیاستگذاری حوزه زنان شاهد نوعی یکجانبه هستیم. به نظر شما این قانون هم متأثر از این نگاه است؟

بله، لایحه حمایت از حجاب و عفاف هم ممکن است متأثر از این نگاه یک‌جانبه در عرصه سیاستگذاری حوزه زنان باشد. ممکن است این لایحه نیز تلاش کند برای اجبار زنان به رعایت حجاب براساس تعریف خاص برخی افراد یا گروه‌های جامعه عمل کند. این می‌تواند منجر به تحدید آزادی و انتخاب افراد شود، اما به زعم من یک سیاستگذاری قوی و منصفانه باید براساس آزادی انتخاب و رعایت حقوق بشری برای همه افراد، بدون تبعیض و بدون تحريم یا محدودیت آزادی شخصی آنان بنیان نهاده شود.

چطور می‌توان برای جلوگیری از بروز شورش‌هایی مانند پاییز سال گذشته، هم برای مساله حجاب چاره‌اندیشی داشت و هم مانع از بروز شکاف اجتماعی جدیدی شد؟

برای جلوگیری از بروز شورش‌هایی مشابه پاییز سال گذشته، باید به مساله

مدیرمسئول: محمدامین ایمانجانی - **سردبیر:** مسعود فروغی
تلفن وفکس: ۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵ - **کدپستی:** ۱۱۳۵۱۳۳۸۱۶
چاپ: چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی: خیابان حافظ، پابین‌تر از جمهوری، روبروی ساختمان بورس، ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

حجاب با یک رویکرد جامع و کامل بپردازیم. چند راهکار می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد:

- ۱. اشتغال:** ایجاد فرصت‌های شغلی و بهبود اوضاع اقتصادی جامعه می‌تواند از جمله راهکارهای مهم برای کاهش تضادهای اجتماعی و شورش‌های محتمل باشد. ایجاد اشتغال برای زنان و دسترسی به آموزش و مهارت‌های لازم می‌تواند برای آنها امکانات لازم را برای استقلال و استقرار مالی فراهم کند.
- ۲. آموزش و ترویج آگاهی:** ارتقای سطح آگاهی مردم و آموزش درباره حقوق زنان و رعایت آزادی شخصی، از طریق مدارس، رسانه‌ها و ارگان‌های مردم‌نهاد می‌تواند به تشریح به‌همبستگی و فهم بهتر از یکدیگر کمک کند.

۳. مشارکت زنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری: تضمین آزادی سیاسی و مشارکت زنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری سیاسی و اجتماعی می‌تواند به ایجاد تعادل جنسیتی در قدرت کمک کند و باعث شود تصمیماتی که توسط جامعه گرفته می‌شود، هر دو جنس را در نظر بگیرد.

۴. دیالوگ و تعامل میان افراد: ایجاد فضایی برای بحث و گفت‌وگو میان افراد و گروه‌های مختلف می‌تواند به بهبود فهم و تعامل بین افراد و کاهش تفاوت‌ها و اختلاف‌ها کمک کند. این کار می‌تواند با همکاری ارگان‌های مردم‌نهاد، مراکز آموزشی و کمیته‌ها و نهادهای مردمی انجام شود. ایجاد کرسی‌های آزاداندیشی می‌تواند به کارکردهای مثبت در سطوح کلان جامعه بینجامد.

۵. رفع تبعیض: تعامل با تمامی افراد جامعه به‌ویژه زنان، اصلاح قوانین تبعیض‌آمیز و تضمین حقوق مساوی زنان و مردان در قوانین و سیاست‌ها می‌تواند در راستای کاهش تنش‌ها در جامعه کمک‌کننده باشد.

در کنار این راهکارها، بسیار مهم است که به آزادی انتخاب زنان و احترام به حریم شخصی آنها در راستای جلوگیری از ایجاد تنش‌ها توجه داشته باشیم. باید تلاش کنیم در جامعه احترام به تفاوت‌ها و آزادی انتخاب نیز در بعضی امور وجود داشته باشد.

وقتی ما از جریمه‌های سنگین حرف می‌زنیم، یعنی عامل اصلی برای بازدارندگی، مساله ترس است. آیا این می‌تواند عامل موثری باشد؟

استفاده از جریمه‌های سنگین به‌عنوان راهکار بازدارنده شاید بتواند در برخی موارد و به‌صورت موقتی مؤثر باشد؛ اما باید به روش‌های دیگری نیز توجه کرد تا به نتایج مطلوبی برسیم. مطالعات نشان می‌دهد که ترس به‌طور عمومی نمی‌تواند به مدت طولانی رفتارهای مطلوب را حفظ کند و ممکن است منجر به مقاومت و مخالفت بیشتر گروه‌ها و افراد شود. به‌علاوه، استفاده پیوسته از جریمه‌های سنگین به‌منظور کنترل مسائل اجتماعی، احتمالاً منجر به احساس ناامنی و ناخشنودی در جامعه می‌شود و می‌تواند روابط و تعاملات اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد. در عوض، رویکردهایی مانند آموزش، آگاهی‌بخشی، دیالوگ و فهم متقابل می‌توانند برای بهبود وضعیت اجتماعی و آگاهی مردم موثرتر و پایدارتر از جریمه و ایجاد ترس باشند. این روش‌ها امکان فهم بهتر از یکدیگر را فراهم کرده و هماهنگی و یکپارچگی را در جامعه تقویت می‌کنند. لازم است به ساختارهای اجتماعی، آموزش، فرهنگ‌سازی و همکاری شبکه‌های اجتماعی توجه کرد تا به‌طور جامع و موثرتری به دستاوردهای اجتماعی دست یافت.

در جامعه‌ای که در حال حاضر درگیر نوعی دوقطبی شدن و شکاف اجتماعی عمیق است چطور می‌توان انتظار داشت شهروندان با عامل بازدارنده‌ای همچون ترس، از قوانین پیروی کنند؟

استفاده از ایجاد ترس به‌عنوان عاملی برای پیروی از قوانین در جامعه، بخش مورد توجه از سیاست‌های سرکوبی است که بیشتر به حفظ نظم و استحکام حکومت منجر شده؛ اما این رویکرد در درازمدت می‌تواند تأثیرات ناخوشایندی بر جامعه داشته باشد. این روش در برخی موارد می‌تواند اعتماد شهروندان به دولت و نظام را کاهش دهد. در ادامه به چند نکته اشاره خواهیم کرد:

- ۱. محدودیت‌های برای آزادی اجتماعی:** در جوامعی که مردم با ترس از قوانین مدیریت می‌شوند، معمولاً برخی از حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان محدود می‌شود. این محدودیت‌ها ممکن است شامل آزادی بیان، آزادی تجمع، نادیده انگاشتن حقوق زنان و... باشد.
- ۲. عدم توسعه فرهنگ حقوقی:** در مجتمع‌هایی که بر پایه ترس از قوانین سازماندهی شده‌اند، افراد به‌طور معمول به اندازه کافی از حقوق و تعهدات خود آگاهی ندارند. این نگرش اهمیت کافی به فرآیند شدن آموزش‌ها و آگاهی‌بخشی جامعه از قوانین و حقوق اجتماعی افراد نمی‌دهد.

۳. تضعیف اعتماد به دستگاه‌های قضایی: استفاده از ترس برای پیروی از قوانین می‌تواند به ناخوشایندترین شکل ممکن، اعتماد عمومی به دستگاه‌های قضایی و عدالانه بودن فرآیند قضایی را تضعیف کند. افراد ممکن است اعتقاد داشته باشند که دستگاه قضایی تمایل دارد تنها تحت

تأثیر نیازهای سیاسی قرار گیرد. به‌طور خلاصه، استفاده از ترس به‌عنوان عامل اجباری برای پیروی از قوانین تنها راهکاری موقتی است و نمی‌تواند برای برطرف کردن و درمان شکاف‌های اجتماعی و ریشه‌یابی موضوعات مؤثر باشد. در عوض، باید روی ساخت یک جامعه عدالت‌مند و برابر مبتنی بر حقوق فردی تمرکز کرد تا درک و همبستگی در جامعه تقویت شود. علاوه‌بر این، لازم است تفاوت‌های اجتماعی در نظر گرفته شود و برنامه‌ها و سیاست‌ها براساس این تفاوت‌ها طراحی شوند. اقداماتی که به‌وفور فرصت‌های برابر را برای همه اعضای جامعه فراهم می‌کنند، می‌توانند ترس عمومی را کاهش دهند. درنهایت، ارتقای آگاهی‌ها و آموزش‌ها درباره قوانین و حقوق اجتماعی نیز می‌تواند به کاهش ترس فراگیر کمک کند. آگاهی افراد از حقوق و تعهدات‌شان در قبال قوانین، باعث افزایش اعتماد و کاهش ترس خواهد شد.